

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليك يا حسين بن علي يا ابن رسول الله ورحمة الله وبركاته

## داستانهایی از کرامات امام حسین (ع)

### ۱- جدا شدن دست مرد از زن در کنار کعبه الهی

امام جعفر صادق علیه السلام حکایت فرماید:

روزی در مراسم حج و طواف کعبه الهی، زنی چون دیگر مسلمانان مشغول طواف کردن بود، در حالی که دستش از آستین عبایش بیرون و نمایان بود، که ناگاه مرد بوالهوسی - که او نیز مشغول طواف کعبه الهی بود - چشمش به به آن زن افتاد و دید که دستش نمایان است، نزدیک او آمد و دست خود را بر روی مُج دست زن کشید.

در این لحظه به قدرت خداوند متعال دست مرد - هوس باز - به دست آن زن - بی مبالا - چسبیده شد؛ و هر چه تلاش کردند نتوانستند دست خود را از یکدیگر جدا سازند.

افرادی که در حال طواف بودند، اطراف این زن و مرد جمع شدند و هرکس به نوعی فعالیت کرد تا شاید دست های این دو نفر را از یکدیگر جدا کنند، ولی سودی نبخشید؛ و در اثر ازدحام جمعیت، طواف قطع گردید.

و بعد از آن که ناامید گشتند، فقهاء و قضات آمدند و هر یک به شکلی نظریه ای صادر کرد:

بعضی گفتند: باید دست زن قطع شود؛ چون دستش را ظاهر گردانیده و سبب فساد و گناه شده است.

و برخی گفتند: بلکه مرد مقصر است؛ و باید دست او قطع گردد.

و چون بین آن ها اختلاف نظر پیدا شد و نتوانستند این مشکل را حل نمایند، به ناچار در جستجوی اهل بیت و فرزندان رسول خدا صلوات الله علیهم اجمعین برآمدند؛ و سؤال کردند که کدام یک از ایشان در مراسم حج مشارکت کرده است؟

گفته شد: حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام شب گذشته وارد مکه شده است؛ و تنها او می تواند مشکل گشا باشد، پس شخصی را فرستادند تا امام حسین علیه السلام را در آن جمع بیاورد.

وقتی حضرت ابا عبدالله علیه السلام در آن جمع حضور یافت، امیر مکه خطاب به حضرت کرد و گفت: یا ابن رسول الله! نظریه شما درباره این مرد و زن - تبه کار - چیست؟

حضرت رو، به جانب کعبه الهی نمود و دست های خود را به سمت آسمان بلند کرد و دعائی را زمزمه نمود؛ و چون دعای حضرت خاتمه یافت دست مرد از زن جدا شد.

امیر مکه پرسید: اکنون آن ها را چگونه مجازات کنیم؟

امام حسین علیه السلام فرمود: دیگر مجازاتی بر آن ها نیست، (زیرا خداوند توانا آن ها را مجازات نمود) (۱)

گویند آن مرد همان شتربانی است که در کربلا دست امام حسین (علیه السلام) را قطع کرد و این گونه لطف آن حضرت را پاسخ داد. (۲)

پی نوشت:

(۱) تهذیب الاحکام: ج ۵، ص ۴۷۰، ح ۲۹۳، مناقب ابن شهر آشوب: ج ۴، ص ۵۱، بحار الانوار: ج ۴۴، ص ۱۸۳، ج ۱۰.

(۲) شجره طوبی، حاء، عین، ص ۴۲۲.